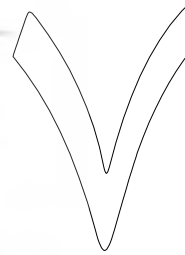


سازوکارها و کارکرد عدالت انتقالی: تحولی مهم در حقوق بین الملل



مهدي ذاكريان*

سييدرضي عمادي**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
Mzakerian@yahoo.com

** دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران
Remadi1365@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۰۸

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۵۷-۲۲۱

چکیده

مفهوم عدالت همواره یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظام‌های داخلی و در نظام بین‌الملل بوده است که پس از جنگ جهانی دوم تلاش زیادی برای اجرای آن انجام گرفته است. با این وجود، عدالت در اغلب اوقات شامل حال رهبران، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم نشده است. اما با لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از سال ۲۰۰۲ میلادی، موجب تحولی اساسی در اجرای عدالت، به‌ویژه در قبال رهبران سیاسی و دارای مصونیت ایجاد شد و موجبات طرح مفهوم عدالت انتقالی را فراهم کرد. مقاله حاضر درصدد تبیین مفهوم عدالت انتقالی، شرایط، اهداف و سازوکارهای آن و همچنین تأثیر اجرای آن در بازگشت صلح و ثبات در جوامع انتقالی است. استدلال اصلی این مقاله نیز این است که اجرای عدالت انتقالی، در جوامع انتقالی، به‌ویژه با استفاده از ترکیب دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت آرامش و ثبات در جوامع انتقالی و در همان حال درس عبرتی برای دیگر رهبران اقتدارگرا و ناقض حقوق بشر شود.

واژه‌های کلیدی: عدالت انتقالی، دیوان کیفری بین‌المللی، مصونیت، رهبران، پاسخگویی و

مسئولیت



مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، روابط بین‌الملل دستخوش تغییر و تحول فراوانی در مفاهیم موجود در این رشته از جمله در مفهوم صلح، عدالت و ثبات بوده است. دیگر نبود جنگ برابر با وجود صلح و ثبات و امنیت نیست. عوامل تهدیدکننده یک کشور نیز صرفاً عوامل خارجی نیستند، بلکه نقش تهدیدی عوامل داخلی بسیار پررنگ‌تر از عوامل خارجی شده است. فقر، گرسنگی، خشونت و آلودگی محیط زیست منبع اصلی تهدید برای حاکمیت یک کشور و بقای یک دولت محسوب می‌شوند. نبود فقر، گرسنگی، آلودگی زیست‌محیطی و خشن نبودن ساختارهای یک جامعه منجر به شکل‌گیری مفهومی به عنوان صلح پایدار شده است. صلح پایدار در بطن خود دربرگیرنده مفاهیم کلیدی حقوق بشر و به عبارت دیگر قواعد بنیادین حقوق بشر از جمله منع شکنجه، حق حیات، آزادی عقیده، آزادی مذهب و منع بردگی است. همه حاکمان و مقامات کشورها باید در جهت تأمین این حقوق برای شهروندان خود اقدام کنند. حکام و مقاماتی که ناقض قواعد بنیادین حقوق بشر برای شهروندان خود باشند، اگر چه ممکن است در طول دوران قدرت خود معاف از هر نوع مجازات باشند، اما تغییر رژیم در این کشورها موجب شکل‌گیری فرایندی تحت عنوان «عدالت انتقالی»^۱ خواهد شد. طی این فرایند این مقامات باید در مقابل اعمال گذشته خود پاسخگو باشند. در این فرایند علاوه بر مجازات مجرمانی که در گذشته معاف از مجازات بودند، باید حقوق قربانیان نیز مد نظر قرار گیرد. پیشینه اجرای عدالت انتقالی به دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. تحول حقوق

بین‌الملل و تشکیل دادگاه‌های ویژه‌ای مثل دادگاه یوگسلاوی سابق و همچنین نهادهایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی^۱ نیز رشد میزان استفاده از سازوکارهای اجرایی عدالت انتقالی و همچنین ضمانت اجرایی تصمیمات این سازوکارها را نشان می‌دهد. در واقع مفهوم عدالت انتقالی همپای تحول در حقوق بین‌الملل رشد کرده است.

۱. عدالت انتقالی؛ اهداف، ضرورت و شرایط اجرای آن

۱-۱. تعریف عدالت انتقالی

مفهوم عدالت انتقالی در چند سال گذشته در جوامعی که تازه یک کشمکش داخلی را پشت سر گذاشتند (جوامع در حال انتقال) اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. حکومت جدید باید از حکومت پیشین متمایز باشد. عدالت انتقالی به جرایمی^۲ که افراد جامعه هنگام انتقال از یک رژیم سرکوبگر و دیکتاتوری به یک نظام دموکراتیک با آنها مواجه می‌شود از جمله ژنوساید، جرایم علیه بشریت و نقض جدی حقوق و مقررات کشمکش‌های مسلحانه، رسیدگی می‌کند (United Nations Office of the Special Adviser on Africa, 2007: 3).

اگرچه اجرای عدالت انتقالی پس از جنگ جهانی دوم و در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو آغاز شد، اما به‌عنوان یک دکترین حقوقی، بخش‌های اصلی این مفهوم حقوقی در اسناد خیلی مهم سازمان ملل متحد از جمله در گزارش‌های گزارشگران ویژه سازمان ملل^۳ در سال‌های ۱۹۹۷، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ در خصوص جنگ علیه معافیت از مجازات^۴ و همچنین در گزارش سال ۲۰۰۴ دبیرکل سازمان ملل متحد تحت عنوان «حکومت قانون و عدالت انتقالی در جوامع دارای کشمکش و پساکشمکش»^۵ آمده است (Dugoli and Agimi, 2009: 6). عدالت انتقالی به سبب از رهیافت‌های حقوقی و غیرحقوقی باز می‌گردد که دولت‌ها از آنها برای گذار از

1. International Criminal Court

2. Crimes

3. UN Special Rapporteurs

4. Fight Against Impunity

5. The Rule of Law and Transitional Justice in Conflict and Post-Conflict Societies

خشونت و فشار، به صلح و ثبات بهره می‌گیرند. در واقع عدالت انتقالی بر پایه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ دموکراتیک قرار دارد و به ارزش‌های عمومی دموکراتیک مانند حقوق مشروع، احترام متقابل، رعایت قواعد بنیادین حقوق بشر اشاره دارد. فرهنگ دموکراتیک در سطح شهروندان یک دولت، آزادی یکایک شهروندان در اداره امور خصوصی‌شان را به رسمیت می‌شناسد و این زیربنای اصل عدالت است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۳۱). به‌طور کلی باید گفت عدالت انتقالی به سازوکارهای قضایی و غیرقضایی کوتاه‌مدت و اغلب موقتی و همچنین فرایندهایی که برای بررسی نقض حقوق بشر و خشونت در جوامع در حال گذار^۱ از دیکتاتوری به دموکراسی رخ می‌دهد، گفته می‌شود (Naraghi Anderlini, Pampell, Conaway and Kays, 2009: 1)

۱-۲. اهداف عدالت انتقالی

اهداف عدالت انتقالی را می‌توان در سه قالب سیاسی، حقوقی و اخلاقی مطرح کرد. اما همه این قالب‌ها به دو قسمت اهداف کوتاه و بلندمدت تقسیم می‌شوند. اهداف کوتاه‌مدت اجرای عدالت انتقالی عبارتند از:

- از بین بردن فرهنگ معافیت^۲ برخی افراد از مجازات و پاسخگویی مجرمان؛
- احیای شأن و منزلت^۳ از دست رفته قربانیان^۴: التیام^۵ دردها و زخم‌های قربانیان و ایجاد یک جامعه سالم و باثبات؛
- بهبود وضعیت افراد مجروح جامعه، به‌ویژه با گفتن حقیقت^۶ (Dugoli and Agimi, 2009: 6)

اهداف بلندمدت اجرای عدالت انتقالی در جوامع انتقالی عبارتند از:

- تلاش برای بهبود وضع جامعه از طریق جلوگیری از تداوم نقض حقوق بشر، حفاظت و تقویت صلح و آشتی ملی در تمام سطوح جامعه بر مبنای عدالت و

1. Societies in Transitional
2. Impunity
3. Restore Dignity
4. Victims
5. Heal
6. Truth Telling



امنیت روانی و وجدانی مردم و برخورداری از حقوق بشر و حقوق شهروندی برای تمام افراد و همچنین نهادینه ساختن فرهنگ حقوق بشر؛

• اصلاح زیرساخت‌ها برای دموکراسی‌سازی و حقوق بشر به‌منظور ایجاد

حکومت قانون و نظم دموکراتیک:

• تضمین این موضوع که نقض حقوق بشر دیگر تکرار نخواهد شد؛

• ارتقای همزیستی^۱ و صلح پایدار^۲ در جوامع انتقالی (Dugoli and Agimi,

2009: 6)

۳-۱. ضرورت و چرایی اجرای عدالت انتقالی

در عدالت انتقالی سه ارزش عدالت^۳، آشتی^۴ و صلح پایدار مورد تأکید قرار می‌گیرند. این حقیقت دارد که در جریان یک مناقشه، اهداف صلح و عدالت می‌تواند در تقابل با یکدیگر قرار گیرند، به‌ویژه در شرایطی که صلح مستلزم پذیرش وضع موجود باشد. (۱) اما زمانی که کشمکش با روی کار آمدن یک دولت انتقالی تمام می‌شود، عدالت و صلح همگرایی بیشتری با یکدیگر دارند و مکمل هم هستند نه در تقابل با هم (مک دانلد و بارکر، ۱۳۸۹: ۳۹۵ - ۳۸۵). در جوامع انتقالی هدف هر سه ارزش عدالت، آشتی و صلح پایدار، پایان دادن به جنگ، خشونت، نقض حقوق بشر و بازگرداندن صلح و ثبات به جامعه است. در سال‌های اخیر در اکثر دولت‌های پساکشمکش هم برای عدالت و هم برای آشتی و هم برای ایجاد صلح پایدار تلاش شده است. به‌طور کلی سازوکار عدالت بر رهبران یا بازیگران اصلی کشمکش یا سرکوب تأکید دارد، در حالی که سازوکارهای آشتی و صلح پایدار، رده‌های پایین‌تر را مد نظر دارد.

۱- ۳- ۱. عدالت

بعد از پایان یک کشمکش یا حکومت دیکتاتوری، مردمی که پیش از این قربانی

-
1. Co-existence
 2. Sustainable Peace
 3. Justice
 4. Reconciliation

شده‌اند، اغلب تقاضای عدالت دارند. عدالت می‌تواند کیفری^۱ یا ترمیمی و استرداد^۲ باشد.

الف - عدالت کیفری: عدالت کیفری مجازات برای خطای انجام شده است. عدالت کیفری بر این اصل پایه‌گذاری شده است که ناقضان حقوق بشر خودشان یا دیگرانی که دستور نقض حقوق بشر را اجرا کردند، باید در دادگاه‌ها محاکمه شوند. اهداف عدالت کیفری عبارتند از:

- مجرمان باید در مقابل اعمال گذشته‌شان پاسخگو باشند؛

- از جرایم در آینده جلوگیری کند؛

- فرهنگ معافیت از مجازات را از بین ببرد؛

- محیطی را ایجاد کند که مجرمان و قربانیان بتوانند با یکدیگر زندگی کنند؛

- تضمین کند که مجرمان، دیگر به قدرت نمی‌رسند یا قدرتشان افزایش

نمی‌یابد (Naraghi Anderlini, Pampell Conaway and Kays, 2009: 2).

ب - عدالت ترمیمی: در این نوع عدالت بر ساخت روابط میان افراد و جوامع تأکید می‌شود. عدالت ترمیمی فرایندی است که از طریق آن، کسانی که از یک گناه و تقصیر تأثیر پذیرفتند؛ اعم از قربانیان، مجرمان و بقیه افراد جامعه، به‌طور جمعی با پیامدهای آن برخورد می‌کنند. این نوع عدالت بر التیام مجروحان و بازسازی روابط تأکید دارد. عدالت ترمیمی به‌جای مجازات جرایم، بر ترمیم خسارت وارد شده و بر غرامت تأکید دارد. گفتن حقیقت و دیدار قربانیان و مجرمان در این فرایند مهم هستند؛ همان‌طور که اظهار پشیمانی و پرداخت غرامت به قربانی یا خانواده‌اش مهم است. اهداف عدالت ترمیمی عبارتند از:

- حل کشمکش‌های ریشه‌ای؛

- التیام دردهای قربانیان از طریق معذرت‌خواهی^۳ و غرامت^۴؛

- جلوگیری از اعمال اشتباه در آینده (Maiese, 2003: 1-3).

۲-۱-۳. آشتی

اصلاح و آشتی، هدف نهایی همه جوامعی است که دوران پس از کشمکش داخلی را تجربه می‌کنند. آشتی به‌عنوان همزیستی مسالمت‌آمیز و به‌عنوان تصمیم‌سازی دموکراتیک^۱ و همگرایی مجدد^۲، چهار مفهوم اساسی حقیقت^۳، شفقت^۴، صلح و عدالت را دربرمی‌گیرد. هر یک از این چهار مفهوم، نیازهایی حیاتی را مطرح می‌کنند که برای ایجاد آشتی در جامعه نیاز است (Odendaal, 1997: 1). آشتی ملی وقتی به‌دست می‌آید که فرایندهای سیاسی، اجتماعی و توسعه بدون بازگشت به عادات گذشته یا چارچوب زمان گذشته کشمکش، انجام شود. آشتی می‌تواند به‌معنی همزیستی^۵، گفتگو^۶، پشیمانی^۷، عذرخواهی، بخشش^۸ و التیام^۹ باشد. موضوع مهم در مورد آشتی، تلاش برای بازگرداندن و احیای^{۱۰} چیزی که قبل از کشمکش وجود داشت، نیست بلکه بیشتر بازسازی روابط به روشی است که اجازه دهد افراد در کنار یکدیگر زندگی کنند و روابط بهبود یابد (Tepperman, 2002: 7).

۳-۱-۳. صلح پایدار

افزوده شدن مفهوم صلح پایدار به ارزش‌های عدالت انتقالی (عدالت و آشتی) را باید به‌عنوان یک تحول مهم در نظر گرفت. در گذشته، سازوکارهای عدالت انتقالی در یک جامعه بیشتر برای محاکمه و اجرای عدالتی بود که برخی از مقامات در زمان قدرت خود از آن معاف بودند، اما امروزه مفهوم عدالت انتقالی علاوه بر تلاش برای اجرای عدالت و همچنین آشتی، در صدد حرکت به سمت برقراری دموکراسی در جامعه پساکشمکش است. از سوی دیگر روند اجرایی امروزی عدالت انتقالی با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی شکل حقوقی و الزامی به‌خود گرفته است.

1. Democratic Decision making
2. Reintegration
3. Truth
4. Mercy
5. Co-existence
6. Dialogue
7. Remorse
8. Forgiveness
9. Healing
10. Restore



نمی‌توان خشونت افراد حاکم در یک جامعه را به مصونیت آنها نسبت داد و مصونیت را رافع مجازات این افراد دانست. باید گفت تحول مفهوم عدالت انتقالی همپای تحول در نسل‌های حقوق بشر رخ داده است. روند اجرایی عدالت انتقالی امروزی با نسل سوم حقوق بشر به لحاظ دایره شمول و هدف برابری می‌کند. نسل اول حقوق بشر به حقوق مدنی و سیاسی و نسل دوم به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه داشت، اما در نسل سوم حقوق بشر، صلح پایدار، نبود خشونت ساختاری و تلاش برای نهادینه کردن ثبات و دموکراسی مورد بررسی قرار می‌گیرد (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۶۸).

۴-۱. شرایط اجرای عدالت انتقالی

برای اجرای عدالت انتقالی در جامعه‌ای که دوران انتقالی از یک رژیم دیکتاتوری به حکومت دموکراتیک را طی می‌کند، پیش‌شرط‌هایی نیاز است که باید آنها را مد نظر قرار داد. این پیش‌شرط‌ها عبارتند از:

الف - زمینه‌سازی اجتماعی و فرهنگی برای اجرای عدالت انتقالی: برای اجرای عدالت انتقالی در جوامع پساکشمکش، باید شرایط حاکم بر آن جامعه را نیز مد نظر قرار داد. اصولاً چنین جوامعی در دوران انتقالی سرشار از شور و هیجانات ناشی از تغییر حکومت قرار دارند. باید به‌گونه‌ای رفتار کرد که این هیجانات موجب نادیده گرفتن حقوق در روند اجرای عدالت نشود. در حقیقت عدالت انتقالی یک فرایند چندوجهی است که هم‌زمان دارای جنبه‌های مختلف قضایی، اجتماعی، سیاسی، روانی و غیره می‌باشد. بر این اساس این راهکار برای گذار جامعه از بحران‌های دوران جنگ و جنایات، تنها به اقدام‌های قضایی؛ آن‌چنان که در جرایم عادی مورد بحث است، اکتفا نمی‌کند، بلکه از شرایط و اقتضانات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و غیره نیز متأثر است؛ یعنی تطبیق آن متأثر از این شرایط و زمینه‌ها است، نباید هیجانات حاکم بر چنین جوامعی موجب شدت و ضعف و یا اضطراب در اجرای عدالت شود. هم‌زمان باید به‌گونه‌ای رفتار شود که اجرای عدالت انتقالی به یک گفتمان مسلط در متن جامعه یا دست‌کم در میان نهادهای مدنی، و فعالان مدنی و روشنفکران جامعه تبدیل شود. این کار نیازمند تبلیغات گسترده



آگاهی‌بخش و برگزاری سیمینارهای علمی و آموزشی در این زمینه و بحث روی جوانب مختلف و بررسی راه‌های تطبیق آن است (سرآمد، ۲۰۱۱).

ب - حقیقت‌یابی و مستندسازی جنایات‌های انجام‌شده، عاملان و قربانیان

آن: همواره یکی از شروط مهم برای اجرای عدالت این است که باید متهم کردن اشخاص بر اساس حقیقت و اسناد مستند باشد، نه بر اساس حدس و گمان. زمانی که حقایق و جنایاتی که اتفاق افتاده‌اند مشخص نشده باشند، نمی‌توان از چیزی به نام عدالت انتقالی سخن گفت. بدیهی است که در ابتدا باید جنایات مشخص شده، عاملان و قربانیان آن نیز تشخیص داده شوند، آنگاه می‌توان از اجرای مراحل بعدی سخن گفت. باید مشخص شود که چه جنایاتی در کشور اتفاق افتاده است، عمق و گستره این جنایات تا کجاست، چه تعداد افراد به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در اثر این جنایات قربانی شده‌اند، چه کسانی به صورت مشخص قربانیان این جنایات هستند و چه کسانی در ارتکاب این جنایات نقش داشته و یا متهم هستند. در حقیقت اجرای حقیقت‌یابی و مستندسازی به هیچ‌وجه به معنای بازگشت به گذشته یا تازه کردن دردهای قربانیان نیست، بلکه موجب می‌شود تا این جنایات‌ها از این طریق در وجدان جمعی جامعه و در قضاوت تاریخ محکوم شوند و دردها و زخم‌های این جنایات نیز وجهه اجتماعی پیدا کنند و سنگینی بار آن از دوش قربانیان برداشته شود. براین اساس حقیقت‌یابی علاوه بر اینکه اجرای مراحل بعدی عدالت انتقالی را ممکن می‌سازد، در عین حال باعث می‌شود که جنایات به صورت رسمی محکوم شناخته شوند و دردهای آن نیز وجهه اجتماعی و ملی پیدا کنند و همه ملت خود را در آن شریک بدانند. در اجرای حقیقت‌یابی تمامی نهادهای دولتی، نهادی مدنی، نهادها و مراکز آموزشی و تحقیقی، رسانه‌ها، گروه‌های قربانیان و حتی افراد عادی خواهان حقیقت و عدالت می‌توانند نقش بازی کنند.

۲. سازوکارها و تکنیک‌های عدالت انتقالی

همان‌طور که گفته شد عدالت انتقالی هنگام فروپاشی نظام‌های دیکتاتوری و زمانی که جامعه می‌خواهد به سمت دموکراسی برود، مطرح می‌شود. در این جوامع است که "نظام عدالت انتقالی" معنا و مفهوم پیدا می‌کند. اگر "نظام عدالت انتقالی" اعمال شود، ناقضان

حقوق بشر در قبال ارتکاب جرایمی که مرتکب شده‌اند، باید پاسخگو باشند. این پاسخگویی در قبال تکنیک‌هایی صورت می‌گیرد که باعث می‌شوند تا ناقض حقوق بشر در مقابل ارتکاب اعمالش قرار گیرد و از طرفی قربانی حقوق بشر و یا خانواده‌اش هم، فرصت روبه‌رو شدن با ناقضان و درخواست برای جبران خسارت وارد شده را بیابد.

نکته مهم در مورد سازوکارهای عدالت انتقالی این است که از آنجایی که عدالت انتقالی از لحاظ شیوه‌های تطبیق و اجرا بسیار متأثر از زمینه‌ها و شرایط اجتماعی خود است، از این‌رو تطبیق عدالت انتقالی در کشورهای مختلف تاحدودی متفاوت بوده و از یک نسخه کاملاً ثابت و یکسان پیروی نکرده است. عدالت انتقالی سازوکارهای مختلفی دارد که عبارتند از: کمیسیون‌های حقیقت^۱، دادگاه‌ها^۲، غرامت^۳، عفو عمومی^۴، تطهیر^۵، اصلاح نهادی و ظرفیت‌سازی^۶ و روش‌های سنتی عدالت^۷. نکته مهم این است که از نظر عملی و مفهومی این سازوکارهای عدالت انتقالی به یکدیگر نیاز دارند و ترکیب آنها می‌تواند مفید باشد. برای مثال بدون کمیسیون حقیقت، اصلاح نهادی یا تلاش‌های غرامتی، محاکمه تعداد محدودی از مجرمان می‌تواند به‌عنوان شکلی از انتقام سیاسی^۸ تلقی شود (Dugoli and Agimi, 2009: 7)

۲-۱. کمیسیون حقیقت

در طول دو دهه گذشته، ایجاد یک کمیسیون حقیقت در یک جامعه درگیر کشمکش به‌شدت شایع بوده است. امروز نیز جامعه بین‌المللی درصدد تقویت و تأکید بر کمیسیون‌های حقیقت است. از سال ۱۹۷۴ تا سال ۲۰۰۵ حداقل ۲۵ کمیسیون حقیقت در سراسر جهان از آرژانتین تا تیمور شرقی و از سیرالئون تا سریلانکا تشکیل شدند و اولین چیزی که اغلب سیاستمداران در یک دموکراسی

1. Truth Commissions
2. Courts
3. Reparation
4. Amnesty
5. Lustration
6. Institution Reform and Capacity Building
7. Traditional methods of justice
8. Political Revanchism

انتقالی بر آن تأکید می‌کنند، ایجاد کمیسیون حقیقت است (Alexander, 2003: 18). کمیسیون‌های حقیقت ارگان‌های موقتی هستند که معمولاً برای چند سال که اغلب بیش از یک یا دو سال نمی‌شود، کار می‌کنند. این کمیسیون‌ها بر مسائل گذشته متمرکز هستند و وقایع گذشته را بررسی می‌کنند. کار این کمیسیون‌ها با ارائه یک گزارش، جمع‌بندی و توصیه‌هایی پایان می‌یابد و همه اینها بر موضوع نقض حقوق بشر و استانداردهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه متمرکز هستند (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۸). کمیسیون‌های حقیقت‌یاب برای موارد نقض حقوق بشر، به‌ویژه در طول دوران کمشکس و ناآرامی‌های بومی تشکیل می‌شوند. این کمیسیون‌ها معمولاً موارد نقض حقوق بشر توسط نیروهای نظامی، حکومت یا دیگر نهادهای دولتی را رسیدگی می‌کنند. موارد نقض حقوق بشر می‌تواند شامل انواعی از موارد از تجاوز تا کشتار وسیع را شامل شود. از آنجا که کمیسیون حقیقت با آشتی ملی و حقیقت سروکار دارد، گزارش‌های کمیسیون‌های حقیقت، باید شفاف^۱ باشند (Odendaal, 1997: 2).

آگاهی دادن و آموزش جامعه مدنی چیزی است که کمیسیون حقیقت می‌تواند آنرا انجام دهد و جامعه بین‌المللی هم می‌تواند در این فرایند اطلاعات، نقش مهمی بازی کند (Snyder and Vinjamuri, 2003-4: 20). این دیدگاه وجود دارد که محاکمه‌ها بیش از آنکه به عدالت منجر شوند، به بی‌ثباتی خواهند انجامید. بنابراین ایجاد کمیسیون‌های حقیقت بهترین سازوکار برای آشتی هستند. کمیسیون حقیقت بیشتر یک کمیسیون غیرقضایی است که گزارش یافته‌های خود را ارائه می‌کند و پیشنهادهایی برای اصلاح سیستم ارائه می‌دهد. برخی کمیسیون‌های حقیقت، فعالیت‌های اضافه‌ای شامل معرفی مجرمان، کمک به عفو عمومی و یا کمک به جبران غرامت هم انجام می‌دهند (Mobekk, 2005: 265).

کمیسیون‌های حقیقت، اقتدار دادگاه‌ها را نداشته و نمی‌توانند قابلیت مجازات افراد را تعیین کرده و نمی‌توانند مرتکبین نقض حقوق بشر را مجازات کنند، بلکه فقط می‌توانند به حکومت‌ها پیشنهادهایی برای اصلاح بیشتر و همچنین غرامت به قربانیان ارائه دهند که اجرا کردن یا نکردن آنها به خواست سیاسی حکومت‌ها

بستگی دارد. این کمیسیون‌ها به قربانیان یا بستگانشان اجازه می‌دهند که موارد نقض حقوق بشر را آشکار سازند. برخی از کمیسیون‌ها هم به مجروحان اجازه می‌دهند که علت وقایع را بازگو کنند (Hayner, 1996: 20-21).

به‌طور کلی باید گفت اهمیت اصلی کمیسیون‌های حقیقت‌یاب این است که صدایی برای بی‌صداها است؛ برای مردمی که طی سال‌ها توسط ناقضان حقوق بشر رنج برده‌اند، اما هرگز آسیب و دردی که متحمل شدند به رسمیت شناخته نشده است. می‌توان اهداف کمیسیون‌های حقیقت را فهرست‌وار در موارد زیر بیان کرد:

- برجسته کردن علل کشمکش و نهادهای درگیر؛
- فراهم کردن اسناد مناسب برای اثبات تخلف و نقض حقوق بشر؛
- اجازه دادن به قربانیان برای بیان رنج‌هایشان؛
- محکوم کردن اشتباه به‌طور رسمی؛
- ارائه پیشنهادهایی به‌منظور جلوگیری از اتفاقات مشابه در آینده، اصلاح نهادها و پیشرفت عدالت پاسخگویی و احترام به حقوق بشر (Naraghi Anderlini, Pampell Conaway and Kays, 2009: 5).

دشواری‌های کمیسیون‌های حقیقت:

این کمیسیون‌ها با وجود امتیازاتی که دارند، با دشواری‌هایی نیز مواجه هستند که هم پایه‌گذاران این کمیسیون‌ها و هم قربانیان باید آنها را در نظر بگیرند. برخی از مهم‌ترین این دشواری‌ها عبارتند از:

- دشواری اصلی کمیسیون‌های حقیقت وظایف متفاوتی است که این کمیسیون‌ها برعهده دارند. در برخی موارد همچون مورد آفریقای جنوبی و سیرالئون، کمیسیون‌های حقیقت، مأموریت‌های وسیعی داشته‌اند. کمیسیون حقیقت آفریقای جنوبی، بزرگ‌ترین کمیسیونی بود که تا آن زمان تشکیل شده بود. وقتی گزارش کمیسیون تسلیم شد، ۲۱۲۹۷ قربانی بیانیه دادند، بیش از هشت هزار مجرم درخواست بخشش کردند و گزارش شامل پنج جلد نقض حقوق در طول سال ۳۴ سال بود. این کمیسیون این قدرت را داشت تا از طرف تعقیب‌کنندگان، مجرمان را عفو کند (Mobekk, 2005: 268).

• مسئله دیگر این است که همه دولت‌ها خواهان کمیسیون حقیقت نیستند و



برخی از دولت‌ها همانند دولت‌های موزامبیک^۱ و کامبوج^۲ به دلایل مختلفی از جمله اینکه آنها نمی‌خواستند واقعیت‌های تاریخی را احیا کنند و از پیامدهای چیزی که ممکن است رخ دهد می‌ترسیدند، برای موفقیت یک کمیسیون حقیقت، خواست مقامات سیاسی یک کشور برای اجرای آن، تعیین‌کننده است (Hayner, 2001: 186-195).

• کمیسیون‌های حقیقت بدون دیگر فرایندهای عدالت برای برخی جرایم انجام‌شده، کافی نخواهد بود. برای مثال کمیسیون حقیقت و آشتی در تیمور شرقی^۳، آشتی میان تیمور شرقی را به‌خوبی تسهیل کرد. اما واقعیت این است که معارضان اصلی در این کشمکش، اندونزی و تیمور شرقی بودند که کمیسیون برای ایجاد آشتی میان این دو موفقیتی نداشت (Mobekk, 2005: 272).

• نگرانی‌هایی راجع به کارآمدی کمیسیون‌های حقیقت وجود دارد که عبارتند از: گزینشی برخورد کردن با حقیقت، نبود بودجه کافی برای این کمیسیون‌ها، افزایش تنش‌ها در طول فرایند فعالیت کمیسیون، آسیب‌هایی که به شاهدان در زمان شهادت وارد می‌شود. شاید به‌همین خاطر بود که کمیسیون آشتی و حقیقت آفریقای جنوبی^۴ ده سال طول کشید (Alexander, 2003: 18).

به‌طور کلی باید گفت میزان موفقیت یک کمیسیون حقیقت بستگی به ترکیب چندین فاکتور دارد که سه مورد از مهم‌ترین این فاکتورها عبارتند از: ۱- زمینه، تاریخ و سابقه اختلاف که شامل موافقت نامه‌های صلح، خواست سیاسی و توانایی همکاری است؛ ۲- جامعه بین‌المللی، حمایتش برای عدالت انتقالی و اینکه چگونه آن در فرایندهای این کشور نفوذ می‌کند؛ ۳- فرهنگ کشور، چگونه بر مقررات تأثیر می‌گذارد و روشی که با مجرمان برخورد می‌شود.

۲-۲. دادگاه‌ها

دادگاه‌ها یکی از مهم‌ترین سازوکارهای اجرایی عدالت انتقالی محسوب می‌شوند. در فرایند عدالت انتقالی، دادگاه‌ها را باید به سه دسته مهم تقسیم کرد: دادگاه‌های

-
1. Mozambique
 2. Cambodia
 3. East Timor
 4. The South African Truth and reconciliation commission

محلی^۱، ویژه^۲ و بین‌المللی^۳.

۱-۲-۲. دادگاه‌های محلی

برگزاری دادگاه‌های محلی در جوامع پساکشمکش یکی از سازوکارهای مهم اجرای عدالت انتقالی برای برخورد با جرایم گذشته و موارد نقض حقوق بشر است. این نوع دادگاه‌ها می‌توانند با کمک یا بدون کمک جامعه بین‌المللی ایجاد شوند. این دادگاه‌ها می‌توانند از قضات بین‌المللی نیز استفاده کنند. آنها می‌توانند تنها حقوق محلی را اعمال کنند یا اینکه یک شکل انتقالی از حقوق را به کار ببرند که ممکن است شامل مقررات حقوق بشری بین‌المللی یا مقررات و پیمان‌های ملل متحد باشد (Mobekk, 2005: 273). این سازوکار عدالت انتقالی نیز بدون مشکل نیست. برخی از مهم‌ترین این مشکلات عبارتند از:

الف - مناسب نبودن وضعیت قضایی و نظام قضایی در جوامع پساکشمکش: اقتدارگرایی یک رژیم اقتدارگرا همیشه در نظام قضایی‌اش و به‌وسیله قضاتش نشان داده می‌شود. از این رو، در برخی از جوامع انتقالی نه‌تنها نیروهای نظامی، پلیس و دیگر نهادهای حکومتی نیاز به انجام اصلاحات وسیع دارند، بلکه نظام قضایی هم نیاز به اصلاح دارد. ممکن است خود نظام قضایی فاسد باشد یا از موارد نقض حقوق بشر توسط حکومت حمایت کند. نمونه بارز این مشکل را می‌توان در مصر امروزی و در جریان محاکمه حسنی مبارک، دیکتاتور سابق، و تأخیرهای مکرر در برگزاری دادگاه و صدور رأی مشاهده کرد.

ب - کمبود نیروی انسانی ماهر: یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که دادگاه‌های محلی در جوامع انتقالی از آن رنج می‌برند، کمبود نیروی انسانی ماهر در حوزه قضایی است. در تیمور شرقی این موضوع بارز بود و این کشور از فقدان منابع و کمبود نیروی انسانی رنج می‌برد.

پ - اضطرار در تشکیل این دادگاه‌ها: محاکمه‌های محلی به‌خاطر عدالت اضطراری و فوری نیز مورد انتقاد قرار گرفتند. ممکن است زیرساخت‌های دادگاه‌ها

در دوران کشمکش از بین رفته باشد. بر این اساس، تقریباً بعید است که یک جامعه پساکشمکش بتواند بلافاصله یک دادگاه عادل و بی‌طرف برگزار کند. این به معنی این نیست که نباید هرگز دادگاه‌های محلی تشکیل شود، بلکه به این معنی است که قبل از اینکه چنین دادگاه‌هایی تشکیل شود، لازم است نظام قضایی به میزان معینی اصلاح شود. بنابراین باید گفت لازمه محاکمه عادلانه افراد در دادگاه‌های محلی از بین بردن اضطرار و فوریت تشکیل این دادگاه‌ها تا زمانی است که اصلاح قضایی در آن کشور انجام گیرد.

ت - انتقام‌جویی^۱: ممکن است عدالت کیفری و تنبیهی در دادگاه‌های محلی منجر به انتقام‌جویی شود. اما انتقام‌جویی می‌تواند از طریق محاکمات عادلانه و قضات با تجربه مهار شود (Minow, 1998: 26).

ث - انتقاد دیگری که به محاکمه‌های محلی وارد است این است که نظام‌های حقوقی محلی قادر نیستند پرونده‌های زیادی را بررسی کنند. از این‌رو، تنها در صورتی این دادگاه‌ها می‌توانند موفق باشند که پرونده‌ها و افراد کمی برای بررسی و محاکمه وجود داشته باشند. برای مثال می‌توان به موضوع رواندا اشاره کرد. بعد از ژنوساید ۱۹۹۴، بیش از یکصد و بیست هزار نفر که مقامات عالی‌رتبه نیز در میان آنها بودند، توسط حکومت رواندا تا سال ۲۰۰۰ به اتهام نسل‌کشی بازداشت شدند. شش سال بعد، تنها ده هزار نفر محاکمه شدند. برای سرعت بخشیدن به این پرونده و کاهش جمعیت زندانی، حکومت رواندا یازده هزار دادگاه موسوم به گاجاچا^۲ تشکیل داد تا به ابعاد سطح پایین نسل‌کشی رسیدگی کند. اما به نظر می‌رسد گاجاچا بیش از آنکه موضوع را حل کند، آنرا تشدید کرده است؛ به نحوی که هشتصد هزار نفر در جریان گاجاچا متهم شدند (United Nations Office of the Special Adviser on Africa, 2007: 31).

البته تشکیل دادگاه‌های گاجاچا از دو ضرورت مبرم ناشی می‌شد:
الف - سبک کردن بار زندان‌ها و دادگاه‌ها و همچنین پیش‌برد فرایند آشتی در جامعه: زندانیانی که از اردوگاه‌ها به دادگاه‌های گاجاچا فرستاده می‌شوند، کسانی

1. Vengeance
2. Community Courts(Gacaca)

هستند که سال‌ها حبس و کار در اردوگاه‌های بازسازی را پشت سر گذاشته‌اند و اتهامات‌شان در رده سنگین‌ترین جرایم، یعنی سازمان دادن و فرماندهی کشتار قرار نمی‌گیرد. اما قتل و تجاوز یا همکاری در ارتکاب این اعمال، حمله به اشخاص و تصاحب مال و زمین قربانی و دیگر موارد نقض حقوق بشر جرایمی هستند که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه‌های گاجاچا می‌گنجد (برادران، ۲۰۰۸).

ب - دلیل دیگر برای تشکیل دادگاه‌های گاجاچا، فراهم ساختن زمینه ادغام مجدد مجرمان در جامعه بود. برای کاستن از بار زندان‌ها، که تحمل بار آن برای کشور فقیر رواندا تقریباً غیرممکن بود، عفو زندانیان از سال ۲۰۰۳ در دستور کار دولت قرار گرفت. زندانی‌ها گروه گروه آزاد شدند و باید به روستاهای خود باز می‌گشتند. اما از سر گرفتن کار و زندگی در کنار قربانیان نیاز به فرایند داشت که هم نوعی از محکمه باشد و هم امکان آشتی را با قربانیان داغ‌دیده فراهم آورد. ایده دادگاه‌های گاجاچا در راستای عملی ساختن این فرایند شکل گرفت. این دادگاه‌ها از مدل تجمع بومی برای مشورت و دادرسی که در آنها روح آشتی و مصالحه برجسته‌تر از روح مجازات و انزوای فرد خاطی است، برگرفته شده است (۲) (برادران، ۲۰۰۸).

ج - انتقاد دیگری که علیه دادگاه‌های محلی وجود دارد این است که این دادگاه‌ها بر مجرمان تأکید دارند نه قربانیان. آنها بر جرم افراد تمرکز می‌کنند نه بر جبران آن و دلجویی از قربانیان. با این وجود، اگرچه دادگاه‌های محلی بر مجرمان تأکید می‌کنند نه قربانیان، اما باز هم باعث کاهش ترس می‌شوند. اگر مجرمان مجازات شوند، ممکن است ترس کلی که در جامعه وجود دارد، به‌ویژه زمانی که مجرمان آزادانه در خیابان‌ها راه می‌روند و در همسایگی قربانیان زندگی می‌کنند، کاهش یابد.

د - مسئله دیگر این است که برخی رژیم‌های جدید نمی‌خواهند عدالت انتقالی برقرار شود زیرا ممکن است موقعیت آنها در نزد حامیان رژیم گذشته به خطر افتد. دو راهکار اصلی برای رفع محدودیت‌ها و انتقادهای مطرح‌شده درخصوص دادگاه‌های محلی و تقویت این نوع دادگاه‌ها وجود دارد. نخستین راهکار، اصلاح نظام قضایی است. برای اصلاح نظام قضایی نیز باید اضطراب در برگزاری محاکمه‌ها

را از بین برد؛ زیرا اصلاح نمی‌تواند در چارچوب زمانی کوتاه‌مدت به‌دست آید. دومین راهکار که می‌تواند مؤثرتر و کارآمدتر نیز باشد، استفاده از دادگاه‌های دورگه^۱ (ترکیبی از قضات محلی و بین‌المللی) است. چندین نمونه از این نوع راه‌حل‌های ویژه وجود دارد. تیمور شرقی نمونه ویژه‌ای است که در آن دادگاهی تشکیل شد که هم قضات تیمور شرقی و هم قضات بین‌المللی حضور داشتند. در سیرالئون هم ترکیبی از قضات ملی و بین‌المللی حضور داشتند (United Nations Office of the Special Adviser on Africa, 2007: 33) این دادگاه‌های دورگه هم از یک دادگاه تماماً بین‌المللی ارزان‌تر است و هم می‌تواند با ارزش‌تر باشد؛ زیرا هم مقررات محلی را در نظر می‌گیرد و هم ذاتی آن کشور محسوب می‌شود. به‌علاوه، کنترل این فرایند در اختیار جامعه مدنی قرار می‌گیرد و نشانه تغییر به سمت جوابگویی و پاسخگو بودن^۲ است. این می‌تواند یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای جوامع انتقالی باشد که در حال طی کردن دوران انتقالی هستند.

۲-۲-۲. دادگاه‌های ویژه

دادگاه‌های ویژه، دادگاه‌هایی هستند که به صورت موردی توسط نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل شده‌اند. در حقیقت شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، با تأسیس دادگاه‌های موقت برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و رواندا (ICTR)، یک رابطه مستقیم میان ایجاد و احیای صلح و امنیت پیش‌بینی کرده است (لمپ، ۱۳۸۹: ۳۸۶). این دادگاه‌ها، یک دادگاه موقتی و تنها برای بررسی جرایمی بودند که در جریان جنگ داخلی یوگسلاوی و نسل‌کشی در رواندا ایجاد شد. حوزه اختیارات این نوع دادگاه‌ها تنها محدود به یک کشور خاص است.

۲-۲-۳. دادگاه‌های بین‌المللی

1. Hybrid Courts
2. Accountability

دادگاه‌های بین‌المللی، یکی دیگر از انواع دادگاه‌هایی هستند که در روند اجرای عدالت انتقالی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. دادگاه‌های بین‌المللی را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: دادگاه‌های دائمی مثل دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های مختلط یا نسل‌سومی.

الف - دیوان کیفری بین‌المللی: اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پس از سال‌ها تلاش مستمر کمیسیون حقوق بین‌الملل و مذاکرات فشرده دولت‌ها در ۱۹۹۸ به تصویب رسید و این دیوان از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، مهم‌ترین تحول در حوزه اجرای عدالت از جمله عدالت انتقالی و یک نقطه عطف محسوب می‌شود. بر اساس بند ۱ ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرایم نسل‌کشی^۱، جرایم علیه بشریت^۲، جرایم جنگی^۳ و جرایم تجاوز^۴ تحت صلاحیت دیوان قرار دارند. همچنین بر اساس ماده ۲۵ اساسنامه، دیوان تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی را دارد و ماده ۲۷ اساسنامه مقرر کرده که سمت‌های رسمی افراد و به‌طور مشخص عناوینی چون رئیس دولت، عضو دولت، عضو مجلس، نماینده دولت رافع مسئولیت کیفری نیست و مصونیت‌های داخلی مقامات رسمی موجب نمی‌شود که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.

در واقع دیوان کیفری بین‌المللی اولین دیوان دائمی است که می‌تواند برای اجرای عدالت انتقالی مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه هنوز برای مؤثر بودن دیوان کیفری بین‌المللی در جلوگیری از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قضاوت کردن زود است، اما به دشواری می‌توان تصور کرد که در محاسبات رهبران ملی برای چنین قساوت‌هایی، دیوان کیفری بین‌المللی نادیده گرفته شود (لمپ، ۱۳۸۹: ۳۸۶).

ب - دادگاه‌های مختلط یا دادگاه‌های نسل‌سوم: با برگزاری دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو پس از جنگ جهانی دوم، که از آنها به‌عنوان نسل اول دادگاه‌های کیفری یاد می‌شود، نسل دوم؛ یعنی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای

-
1. Genocide
 2. Crimes against Humanity
 3. War Crimes
 4. The Crime of Aggression

یوگسلاوی سابق و رواندا متولد شدند. با آغاز قرن بیست و یکم، کشورهای درگیر در جنگ‌های داخلی عزم خود را جزم کردند تا به‌منظور خاتمه بخشیدن به جنایاتی که با آثار و تبعات سوء خود، صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته بودند، با مساعدت و همکاری سازمان ملل متحد، اقدام به برپایی سومین نسل از محاکم کیفری کنند. بر این اساس، امروزه در کنار دادگاه‌های بین‌المللی با دادگاه‌های ویژه‌ای مواجه هستیم که با عناوینی مانند دادگاه‌های مختلط و دوگانه و گاه دادگاه‌های بین‌المللی شده، شناخته می‌شوند (کاسسه، ۱۳۸۶: ۴۲۸). در واقع، از سال ۲۰۰۰ به بعد، پنج دادگاه مختلط از جمله شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج، دادگاه‌های کوزوو، هیأت‌های ویژه رسیدگی به جنایات فاحش در تیمور شرقی، دادگاه ویژه لبنان و دادگاه ویژه سیرالئون تأسیس شده‌اند که نمایانگر حرکت از الگوی دادگاه‌های نسل دوم به سوی شکل نوینی از دادگاه‌های کیفری با عناصر ملی و بین‌المللی می‌باشند. یکی از وجوه افتراق این دادگاه‌ها با موارد قبلی، مبنای حقوقی تأسیس آنها است؛ زیرا دادگاه‌های ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا به موجب قطعنامه‌های فصل هفتم منشور ملل متحد و در قالب ارکان فرعی شورای امنیت ایجاد شدند، اما دادگاه‌های مختلط بر مبنای موافقتنامه‌های دوجانبه میان سازمان ملل متحد و دولتی که محل وقوع جنایات است، تشکیل شده‌اند. قواعد دادگاه‌های مختلط، ترکیبی از قواعد حقوق ملی و بین‌المللی بوده، مشروعیت آنها نیز از هر دو نظام حقوقی نشأت می‌گیرد (رنجریان و ملک‌الکتاب خیابانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

۳-۲. غرامت

در موضوع عدالت انتقالی، دولت‌ها تنها متعهد به عمل علیه ناقضان حقوق بشر نیستند، بلکه باید حقوق قربانیان نیز مد نظر قرار گیرد. از این‌رو، پرداخت غرامت به قربانیان، یکی دیگر از سازوکارهای اجرایی عدالت انتقالی است. غرامت شامل تکریم قربانیان^۱ از طریق اقداماتی که رنج آنها را کاهش دهد، خسارت‌های اخلاقی، مادی و اجتماعی آنها را جبران کند و حقوق‌شان به‌عنوان شهروند^۲ را احیا کند، می‌شود. غرامت باید دارای پنج ویژگی مهم باشد:

1. Dignifying the Victims
2. Citizen



• غرامت باید کافی^۱ باشد زیرا؛ قربانیان نیاز دارند تا زندگی‌شان را پیش ببرند؛
 • غرامت باید مؤثر^۲ باشد زیرا؛ باید اکثریت قربانیان را تحت پوشش قرار دهد؛
 • غرامت باید به‌هنگام^۳ باشد؛ زیرا قربانیان نیاز دارند غرامتشان را در چارچوب زمانی که به آن نیاز دارند، دریافت کنند؛
 • غرامت باید مطلوب و مورد توافق^۴ باشد؛ زیرا قربانیان گروه‌های آسیب‌پذیری هستند؛

• غرامت باید متفاوت^۵ باشد؛ زیرا گروه‌های مختلفی از قربانیان از خشونت تأثیر می‌پذیرند (Jemima and Knut, 2010: 508). از این‌رو، غرامت ممکن است شامل کالا، سرویس، پول، حقوق قانونی مثل حق شهروندی و ملیت، موقعیت، عذرخواهی و مجلس یادبود برای قربانیان باشد. برای مثال در رواندا مجرمان تعهد دادند که منازل بازماندگان ژنوساید را بازسازی کنند. پرداخت غرامت موجب اعتمادسازی^۶ مجدد در جامعه می‌شود. درخصوص سازوکار غرامت نیز محدودیت‌ها و انتقادهایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- تعیین دقیق گروه دریافت‌کننده غرامت؛
- میزان پراخت به هر فرد؛
- تصمیم درباره دریافت مادی و یا ارائه خدمات ویژه؛
- تناسب میان جرم و غرامت. برای مثال چه مقدار می‌توان در مقابل از دست دادن یک چشم، شکنجه‌های روانی و غیره پرداخت کرد (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

۴ = ۲. عفو عمومی
 عفو عمومی یک مؤلفه متناقض از سازوکارهای عدالت انتقالی است که طی آن، برخی از مجرمان از سوی دولت بخشیده شده و مجازات نمی‌شوند. مشکل عفو این است که مسئله‌ای جدال‌آمیز است. عفو حقوق قربانیان برای جبران غرامت را نقض

1. Sufficiency
 2. Effective
 3. Timely
 4. Favorable
 5. Differentiated
 6. Confidence Building

می‌کند و با اهداف حقوق بین‌الملل برای مجازات مجرمان جنایت‌های جدی حقوق بشر ناسازگار است. همچنین این طرز تلقی را ایجاد می‌کند که ارتکاب جرایم سنگین می‌تواند بدون مجازات باقی بماند. بنابراین مرتکبین نقض حقوق بشر فکر می‌کنند که با عفو می‌توانند از مجازات بگریزند. همچنین عفو مجرمان ممکن است ترس، بی‌ثباتی و ناامنی را در جامعه افزایش دهد. نکته قابل ذکر این است که هیچ کنوانسیون بین‌المللی صراحتاً عفو را ممنوع یا تشویق نمی‌کند. تنها پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، عفو را در شرایط درگیری‌های مسلحانه داخلی تشویق می‌کند. با این وجود، این تشویق به معنای حمایت از عفو در هنگام نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیست. (ذاکریان، ۱۳۹۰، ۱۶۰)

۲-۵. تطهیر

تطهیر به‌عنوان یکی دیگر از سازوکارهای عدالت انتقالی، به معنای ممنوعیت باقی ماندن ناقضان معروف حقوق بشر در مشاغل سیاسی یا مشارکت در حکومت جدید است. به عبارت دیگر، تطهیر پاکسازی حکومت جدید از ناقضان حقوق بشر است. این سازوکار می‌تواند به اعتماد سازی مجدد در جامعه و کاهش ترس افراد جامعه منجر شود. برای مثال در السالوادور، کمیسیون ویژه صلح برای بازبینی فعالیت‌های افسران نظامی در طول جنگ تشکیل شد. این کمیسیون ۱۰۲ افسر را به‌خاطر نقض حقوق بشر در طول کشمکش داخلی این کشور عزل کرد (Alexander, 2003: 40). در صربستان قانون تطهیر^۱ در ماه می ۲۰۰۳ تصویب شد و بیان داشت که سوابق مقامات رسمی بررسی خواهد شد و اگر آنها حقوق بشر را نقض کرده و گناهکار باشند، از سمت‌های فعلی‌شان برکنار خواهند شد و تا پنج سال متوالی از به‌دست آوردن هر نوع سمت عمومی منع خواهند شد (Serbia, 2004).

۲-۶. اصلاح نهادی و ظرفیت بازسازی

این راهکار، برخلاف سازوکارهای دیگر، نهادها و سیستم را دربرمی‌گیرد و شامل اصلاح نظامی، کیفری، سیاسی، حقوقی و قضایی می‌شود که حکومت قانون را ارتقا می‌دهد و برای جلوگیری از تخلفات حقوق بشری و تبعیض سیستماتیک می‌باشد.

اصلاح نظام قضایی، نخستین چیزی است که یک کشور در حال انتقال از یک رژیم دیکتاتوری به دموکراسی برای اجرای عدالت نیاز دارد. در آفریقای جنوبی نظام حقوقی، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی در اوایل دهه ۱۹۹۰ و با پایان آپارتاید دستخوش تغییرات وسیعی شد. به‌عبات دیگر سیستم قضایی جدیدی به‌وجود آمد که بر اساس آن، نقض نظام‌مند حقوق بشر ممنوع است. دوران انتقالی برای بازبینی و طراحی قانون اساسی و حقوق جدید، فرصت ایجاد می‌کند. بیش از نیمی از قوانین اساسی نوشته‌شده در جهان، از سال ۱۹۷۴ به بعد نگاشته شدند (Shoemaker, 2009: 17). این سازوکار عدالت انتقالی نقش بیشتری در ترویج و نهادمند کردن دموکراسی، ثبات، عدالت و آرامش ایفا می‌کند.

۲-۷. روش‌های سنتی عدالت

سازوکار دیگری که برای اجرای عدالت انتقالی وجود دارد، استفاده از روش‌های سنتی عدالت است که در هر جامعه‌ای ممکن است اشکال متفاوتی داشته باشد. این سازوکار در واقع شامل دادگاه‌های غیررسمی است که بر تشریفات سنتی متکی هستند و برای حل اختلافات، کشمکش‌ها و جرایم یک جامعه مفید هستند. نظام‌های سنتی عدالت انتقالی شامل استفاده از رهبران مذهبی، ریش‌سفیدان، مقامات محلی یا دیگر اعضای محترم جامعه می‌شود. در یک جامعه ممکن است بزرگان و پیران یک قبیله برای حل اختلاف‌های داخلی عمل کنند. ممکن است مجازات‌هایی در نظر بگیرند که می‌تواند بستگی به میزان خطرناک بودن جرایم و فرهنگ آن کشور با جامعه دیگر متفاوت باشد. مجازات می‌تواند شامل تحقیر عمومی مجرم، پرداخت جریمه، مجازات فیزیکی یا هر چیزی باشد که افراد و شورای ریش‌سفیدان تعیین می‌کنند. در این روش اغلب بر این واقعیت تأکید می‌شود که مجرم عضوی از جامعه است؛ اگرچه باید به‌خاطر جرمی که مرتکب شده، مجازات شود. از این سازوکار در کشورهای مثل رواندا، سیرالئون، موزامبیک و اوگاندا استفاده شده است. از این سازوکار اغلب به عنوان «عدالت ارجاعی»^۱ نام برده می‌شود (Maiese, 2003: 2).



برخلاف دیگر سازوکارهای عدالت انتقالی، روش‌های سنتی عدالت، برای جرایم فعلی هستند و برای برخورد با جرایم نقض حقوق بشر در گذشته مناسب نیستند. تمرکز اصلی این سازوکار به برقراری آشتی و صلح و ثبات در میان افراد جامعه قرار دارد (Mobekk, 2005: 282).

محدودیت‌های روش‌های سنتی

این سازوکار عدالت انتقالی همانند دیگر سازوکارها با انتقادات و محدودیت‌های چندی مواجه است که مهم‌ترین این محدودیت‌ها عبارتند از:

- اغلب روش‌های سنتی خارج از نظام‌های حقوقی رسمی عمل می‌کنند؛
- این روش‌ها توان رسیدگی به جرایم بزرگی مثل جنایت‌های جنگی، جنایت علیه بشریت و ژنوساید را ندارند؛

- اغلب روش‌های سنتی برخی جوامع با مقررات حقوق بین‌الملل منطبق نیستند، از این رو مجازات‌هایی که تعیین می‌شود ممکن است خلاف مقررات و استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی باشد. این موضوع، به‌ویژه در خصوص حقوق زنان در برخی از جوامع در حال توسعه به‌وفور مشاهده می‌شود. در حالی که طبق حقوق بین‌الملل تجاوز به زنان جزء جرایم شدید محسوب می‌شود، در برخی از کشورهای در حال توسعه، زمانی که مردی به تجاوز به یک زن متهم می‌شود، طبق روش‌های سنتی حاکم بر آن جامعه باید با آن زن ازدواج کند. این به‌معنای آن است که جرم انجام‌شده علیه آن زن در بقیه عمر زندگی‌اش هم ادامه خواهد داشت. این در حالی است که حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به‌طور برابر، از زنان و مردان حمایت می‌کند. کنواسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های ۱۹۷۷ نیازهای ویژه زنان را به رسمیت شناختند. در دادگاه ویژه یوگسلاوی (ICTY) نیز تجاوز جنسی به زنان در زمره شکنجه آنان و به عنوان نقض فاحش حقوق بشر شناخته شد (United Nations, 2002: 40).

با وجود این، مواردی هست که استفاده از سازوکارهای سنتی در مورد آنها می‌تواند صلح را در جامعه به‌وجود آورد. برای مثال در موزامبیک که هم محاکمه‌ها

و هم کمیسیون حقیقت رد شده بود، روش‌های سنتی دارای موفقیت زیادی بودند. بر اساس سازوکار سنتی، جنگجویان به جوامع‌شان بازگشتند. در تیمور شرقی سازوکارهای سنتی برای نیروهای نظامی‌ای که منازل را آتش زدند و مشاجره‌های کوچکی را به وجود آوردند، استفاده شد. آنها خواستار بازسازی خانه‌ها و اجرای سرویس‌های اجتماعی شدند. به‌طور کلی، سازوکارهای سنتی برای برخورد با مشاجره‌های کوچک مثل آتش‌سوزی خانه، درگیری در مورد دارایی و غیره می‌تواند مناسب باشد، اما برای جرایم بزرگ‌تر شامل جرایم علیه بشریت و نقض گسترده حقوق بشر، دیگر سازوکارهای عدالت انتقالی مؤثرتر می‌باشند (Mobekk, 2005: 286).

روش‌های سنتی امتیازاتی دیگری هم دارند. آنها ضرورتاً توسط جمعیت محلی انجام می‌شوند. چیزی نیست که از خارج از کشور انجام شود و جمعیت داخلی هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه با مجرم بدون مداخله خارجی برخورد کنند. در این روش آنها می‌توانند آشتی با یکدیگر را آغاز کنند. به‌علاوه، جمعیت محلی تأثیر مستقیم و فوری این روش قضایی را می‌بینند. بنابراین نباید اهمیت زیاد این روش‌های سنتی را نادیده گرفت (United Nations, 2002: 287).

۳. بازیگران سازوکارهای عدالت انتقالی

پرسش مهمی که وجود دارد این است که چه کسانی در سازوکارهای عدالت انتقالی درگیر هستند؟ با توجه به سازوکارهایی که در خصوص اجرای عدالت انتقالی گفته شد، باید گفت بازیگران محلی، بین‌المللی، ترکیبی از بازیگران محلی و بین‌المللی، و کشور سوم در این فرایند درگیر هستند.

۳-۱. بازیگران ملی

زمانی که فرایند انتقال به دموکراسی در یک جامعه پساکشمکش بدون مداخله نیروهای خارجی انجام شود، این بازیگران ملی هستند که در اجرای عدالت انتقالی نقش مهمی ایفا می‌کنند. ممکن است تشکیل کمیسیون حقیقت تنها متشکل از قضات و بازیگران داخلی باشد، یا اینکه در دادگاه‌های محلی تنها قضات ملی باشند که قضاوت می‌کنند. دستور عفو عمومی، تطهیر، پرداخت غرامت را دولت جدید و

نظام جدید یک کشور می‌تواند صادر کند. روش‌های سنتی نیز لزوماً توسط ریش سفیدان و بازیگران قابل احترام همان جامعه اجرا می‌شوند. مثال‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند اجرای عدالت انتقالی توسط بازیگران ملی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به مورد سیرالئون و دادگاه‌های گاجاچای رواندا اشاره کرد (Alexander, 2003: 18).

۲-۳. بازیگران بین‌المللی

بازیگران بین‌المللی نیز برای اجرای عدالت انتقالی در یک کشور خاص مورد استفاده قرار گرفتند. بازیگران بین‌المللی را باید به دو دسته مهم تقسیم کرد: دادگاه‌های بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل متحد. سابقه استفاده از دادگاه‌های بین‌المللی به بعد از جنگ جهانی دوم و به جریان محاکمه رهبران سیاسی و نظامی ژاپنی و نازی در دادگاه‌های توکیو و نوربرگ به جرم ارتکاب جرایم جنگی در طول جنگ جهانی دوم، برمی‌گردد. امروزه با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و صلاحیت‌های این دادگاه و تحول مفهوم مصونیت در قالب این دیوان، استفاده از دادگاه‌های بین‌المللی برای اجرای عدالت انتقالی و رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر گسترش یافته است و در آینده نیز استفاده از این دیوان افزایش خواهد یافت؛ چرا که اساسنامه این دیوان به‌طور رسمی اعلام کرده است که سمت‌ها و مسئولیت‌های افراد موجب نمی‌شود که آنها به‌واسطه داشتن مصونیت در مقابل نقض گسترده حقوق بشر مجازات نشوند. دیوان کیفری بین‌المللی، نخستین سازوکار دائمی بین‌المللی برای اجرای عدالت انتقالی است و قدرت آن به شهروندان و قلمرو کشورهایی که اساسنامه دیوان را تصویب کردند، افزایش یافته است (Human Rights Watch, 2004). این دیوان به مسئولیت افراد و مقامات کشورها برای جرایم بین‌المللی شامل ژنوساید، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت تجاوز رسیدگی می‌کند. اما نکته مهم در مورد دادگاه‌های بین‌المللی و همچنین دیوان کیفری بین‌المللی این است که این دادگاه‌ها وقتی مهم هستند که کشورهای ملی فاقد ظرفیت یا خواست سیاسی برای بررسی جرایم باشند. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بازیگر بین‌المللی دیگری است که البته

قدرت اجرایی و شمول زمانی آن بیش از دادگاه‌ها و دیوان کیفری بین‌المللی است. بر اساس منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت حق دارد دادگاه‌های بین‌المللی ایجاد کند. دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق (ICTY) در سال ۱۹۹۳ و طی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد شکل گرفت. شورای امنیت نیز می‌تواند بدون در نظر گرفتن عضو بودن یا نبودن یک کشور در دیوان کیفری بین‌المللی، پرونده آن را جهت بررسی و صدور حکم به دیوان ارجاع دهد. نمونه آشکار این مورد در جنگ داخلی نه ماهه لیبی در سال ۲۰۱۱ دیده شد.

۳-۳. ترکیبی از بازیگران ملی و فراملی

علاوه بر اینکه بازیگران ملی و بین‌المللی به صورت مجزا در روند اجرای عدالت انتقالی نقش ایفا می‌کنند، مواردی نیز وجود دارد که ترکیبی از بازیگران ملی و فراملی، اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این فرایند دخیل بوده‌اند. برای مثال در تیمور شرقی دو قاضی بین‌المللی و یک قاضی تیموری در داخل تیمور شرقی به جرایم رسیدگی کردند. دادگاه جنایت‌های جنگی عراق که در سال ۲۰۰۴ برای مقامات سابق عراق برگزار شد، نیز به‌همین گونه بود (Naraghi Anderlini and Pampell Connway and Kays, 2009: 4). به‌نظر می‌رسد استفاده از ترکیبی از بازیگران ملی و فراملی در جوامع پساکشمکش که روند اجرای عدالت انتقالی و گذار به دموکراسی را تجربه می‌کنند، از قابلیت استفاده و کارآمدی بیشتری برخوردار باشد. در حال حاضر ترکیبی از سازوکارهای ملی و بین‌المللی در حال افزایش هستند.

۳-۴. کشور سوم

یکی دیگر از بازیگران اجرایی سازوکار عدالت انتقالی می‌تواند یک کشور ثالث باشد. اگرچه استفاده از این نوع کمتر اتفاق افتاده است، اما به‌عنوان یک بازیگر فرایند عدالت انتقالی، شکل عینی داشته است. برای مثال، ژنرال آگوستو پینوشه^۱ دیکتاتور شیلی، در سال ۱۹۹۸ در لندن به جرم کشتار و شکنجه بازداشت شد و به‌وسیله یک دادگاه اسپانیایی محاکمه شد (Snyder and Vinjamuri, 2003-4: 14).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باید گفت با جهانشمولی اصول حقوق بشر و تحول معنایی در این اصول از حقوق سیاسی و مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تلاش برای ایجاد صلح پایدار، گفتمان عدالت انتقالی نیز در حال تبدیل به یک گفتمان جهانی است. اگرچه سازوکارهای مطرح‌شده درخصوص عدالت انتقالی، ریشه‌ای دیرینه‌تر از خود مفهوم عدالت انتقالی دارند، اما با پیدایش نهادهای بین‌المللی همچون دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر، مفهوم عدالت انتقالی نیز در حال طی کردن روند جهانی شدن است. در این خصوص، باید به نقش بازیگران مدنی داخلی و همچنین بازیگران آموزشی خارجی نیز توجه ویژه‌ای کرد. از آنجا که عدالت انتقالی در مورد التیام و ایجاد روابط میان مردم یک کشور و همچنین در مورد فرایندهای آشتی و عدالت است، مشارکت فعال و درونداد جامعه مدنی نقش مؤثری در این فرایند ایفا می‌کند. گروه‌های جامعه مدنی نقشی حیاتی در اجرای سازوکارهای عدالت ایفا می‌کنند. آنها می‌توانند در جمع‌آوری اطلاعات، آگاه‌سازی و آموزش جمعیت، نقش مفیدی بازی کنند؛ همان‌گونه که در موارد متعددی این نقش خود را به‌خوبی انجام دادند. برای مثال در آفریقای جنوبی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در ایجاد و اجرای مصوبات کمیسیون حقیقت و آشتی درگیر بودند. در شیلی، سازمان‌های مذهبی اسناد حقوقی متعددی علیه پینوشه جمع کردند که برای فعالیت کمیسیون ملی حقیقت و آشتی مهم بودند. در فرایندهای آشتی در تیمور شرقی کلیساهای حکومت‌های محلی، مقامات و رؤسای محلی و همچنین صدها عضو جامعه مشارکت داشتند. امروزه در اغلب جوامع، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، نهادهای گوناگونی توسط جمعیت‌های محلی و برای حمایت از قربانیان جنگ ایجاد شدند که برای اجرای سازوکارهای عدالت انتقالی در سطح جامعه و همچنین برای التیام زخم‌های قربانیان جنگ‌های داخلی مؤثر هستند (United Nations Development Programme, 2004).

در سطح بین‌المللی نیز علاوه بر ایجاد نهادهایی همچون شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و نهادهای غیردولتی حقوق بشری، مرکزی بین‌المللی تحت



عنوان «مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی»^۱ وجود دارد که در بیش از سی کشور در سراسر جهان فعالیت می‌کند و به ارتباط میان نیازهای محلی با دانش جهانی کمک می‌کند. این سی کشور بر اساس تقسیم‌بندی منطقه‌ای در جدول زیر عبارتند از:

آسیا	خاورمیانه و شمال آفریقا	اروپا	آمریکا	آفریقا
افغانستان	الجزایر	قبرس	آرژانتین	برونئی
میانمار	رژیم صهیونیستی	یوگسلاوی سابق	برزیل	جمهوری خلق کنگو
کامبوج	عراق		کانادا	کنیا
اندونزی	مصر		کلمبیا	لیبریا
نیپال	تونس		گواتمالا	سیئرالئون
جزایر سلیمان	مراکش		پرو	آفریقای جنوبی
تیمور	لبنان			سودان
				اوگاندا

(JETJ, 2011)

این نهادهای داخلی و بین‌المللی در جهت ترویج و آموزش حقوق بشر و همچنین استفاده از سازوکارهای عدالت انتقالی و اینکه این سازوکارها برای ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی ضروری هستند، می‌توانند نقش مهمی بازی کنند. در همین حال، تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و نادیده گرفتن اصل مصونیت توسط این دیوان در موارد جنایت‌های حقوق بشری و همچنین بررسی جنایت‌های افرادی مثل *اسلوبودان میلوشویچ*^۲، *معمّر قذافی*^۳ (دیکتاتور معدوم لیبی) و صدور حکم بازداشت برای او، *پسرش سیف‌الاسلام*^۴ و *عبدالله السنوسی*^۵، رئیس سرویس اطلاعاتی رژیم سابق لیبی، هشدار جدی را به دیگر مقامات، مجرمان و ناقضان حقوق بشر می‌دهد، مبنی بر اینکه روزی به خاطر اعمالشان محاکمه خواهند شد.

درخصوص اهمیت اجرای عدالت انتقالی و تأثیر آن بر بازگشت صلح و ثبات در جوامع پساکشمکش و همچنین حرکت این جوامع در مسیر دموکراسی، علاوه بر نقش هر یک از سازوکارهای گفته شده، باید به سه نکته مهم نیز اشاره کرد: نخست اینکه، عدالت انتقالی یک برنامه ملی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، عموم مردم خواهان اجرای عدالت در قبال کسانی هستند که در رژیم گذشته معاف

1. International Center Transitional Justice
2. Slobodan Milosevic
3. Muammar Gaddafi
4. Saif al Islam Gaddafi
5. Abdullah al Senussi

از مجازات بودند و در مقابل اعمالی که در گذشته انجام می‌دادند مصونیت داشتند. عدالت انتقالی به کسانی که رفتار سبعانه و بی‌رحمانه^۱ دارند هشدار جدی می‌دهد؛ مبنی بر اینکه آنها باید در مقابل اعمالشان پاسخگو باشند. عدالت انتقالی این اصل حقوقی را ایجاد کرد که «عدالت برای جرایم دیروز، اساسی حقوقی که برای جلوگیری از این جرایم در آینده نیاز است را به‌وجود می‌آورد»^(۳).

(Snyder and Vinjamuri, 2003-4: 17).

دوم اینکه، عدالت انتقالی آینده‌نگر است؛ از آن جهت که برای رسیدن به اهداف خود مجبور است مصالح و اقتضائات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه را مد نظر قرار دهد. به تعبیری، این مصالح و اقتضائات را در خدمت اهداف خود قرار دهد، نه اینکه خود را با آنها مواجه سازد و به مصاف آنها برخیزد. درخصوص چرایی توجه به شرایط و الزام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانی حاکم بر آن جامعه باید گفت؛ از آنجا که عدالت انتقالی در صدد ایجاد فرهنگ جدیدی است، بنابراین باید به گونه‌ای رفتار شود که موجب ایجاد نارضایتی و نگرانی نزد کسانی که همچنان وفادار به رژیم گذشته هستند، نشود بلکه توان جذب این افراد را نیز داشته باشد. بر این اساس، گفته می‌شود که عدالت انتقالی آینده‌نگر است و به ایجاد یک جامعه جدید همراه با صلح و آرامش می‌اندیشد. برای این کار عدالت انتقالی همه افراد و گروه‌های اجتماعی را به همدیگرپذیری و احترام به حقوق همدیگر دعوت می‌کند. بر این اساس است که گفته می‌شود در جهان عرب، کشورهایی که در نتیجه "بهار عربی"^۲ دوره انتقالی را طی می‌کنند، عدالت هسته اصلی توسعه این کشورها در آینده را تشکیل می‌دهد (Tolbert, 2011: 1).

سوم اینکه، عدالت انتقالی می‌خواهد به ایجاد و پی‌ریزی یک جامعه سالم‌تر و انسانی‌تر کمک کند؛ جامعه‌ای که شهروندان آن در صلح و آرامش توأم با عزت و کرامت و برخوردار از حقوق بشری خود زندگی کنند. جامعه‌ای که در آن همه افراد در مقابل اعمال خود پاسخگو باشند.

نکته مهم درخصوص اثرگذاری سازوکارهای عدالت انتقالی بر بازگشت صلح

-
1. Atrocity
 2. Arab Spring

و ثبات در جوامع انتقالی این است که هر یک از سازوکارهای اجرایی عدالت انتقالی در کنار یکدیگر می‌توانند اثرگذار باشند. به باور نگارندگان این مقاله، استفاده هم‌زمان از بازیگران ملی و بین‌المللی در سازوکارهای عدالت انتقالی، از جمله در کمیسیون حقیقت و به‌ویژه در دادگاه‌ها می‌تواند زمینه‌های اثرگذاری عدالت انتقالی را افزایش دهد. برای مثال، استفاده از دادگاه‌های دورگه به‌لحاظ مزایایی که دارد، می‌تواند در مقایسه با دادگاه‌های صرف محلی و بین‌المللی از کارآمدی بیشتری برخوردار باشد. نخست اینکه در دادگاه‌های دورگه هم قضات محلی و هم قضات بین‌المللی حضور دارند. حضور قضات محلی به‌لحاظ آشنایی آنها با شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه می‌تواند مفید باشد؛ همان‌طور که حضور قضات بین‌المللی به‌لحاظ در نظر گرفتن اصول نوین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی می‌تواند کارساز باشد. دوم اینکه استفاده از دادگاه‌های دورگه می‌تواند مشکلاتی که در جوامع انتقالی وجود دارد؛ از جمله نظام قضایی ضعیف، کمبود نیروی انسانی ماهر و همچنین ضعف امنیتی برای برگزاری دادگاه‌های مربوط به محاکمه مقامات و عوامل رژیم سابق را رفع کند. سوم اینکه، دادگاه‌های دورگه علاوه بر اینکه از حمایت‌های داخلی در یک جامعه برخوردار هستند، از حمایت‌های دولت‌های دیگر و نهادهای حقوقی بین‌المللی نیز برخوردار خواهند بود. از این رو تصمیم‌های این دادگاه‌ها می‌تواند ضمانت اجرایی بیشتری نسبت به دادگاه‌های صرف محلی و بین‌المللی داشته باشد. مشکلات به‌وجودآمده در روند محاکمه **حسنی مبارک**، رئیس‌جمهور سابق مصر، نیز گواه بر این است که استفاده از دادگاه‌های دورگه در چنین جوامعی کارایی بیشتری خواهد داشت (Worden, 2011: 1-4). استفاده از دادگاه‌های دورگه هم می‌تواند اهداف عدالت انتقالی را تأمین کند و هم اینکه مطابق با معیار حقوق بین‌الملل نوین باشد. در عین حال می‌تواند به قابلیت قضایی و تقویت حکومت قانون در جوامع انتقالی کمک کند (Snyder and Vinjamuri, 2003). (18: 4 در نهایت باید گفت عدالت انتقالی در صورتی که به درستی انجام شود و حمایت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را با خود به همراه داشته باشد، می‌تواند به مهم‌ترین عامل در ایجاد ثبات و آرامش و در همان حال، به مهم‌ترین زمینه برای ایجاد حکومتی مردمی تبدیل شود.

یادداشت‌ها

۱. شبیه این وضعیت، اکنون در تحولات جاری در بحرین دیده می‌شود عدالت و صلح در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند مخالفان حکومت خواستار اجرای عدالت و برکناری مقامات هستند، در حالی که مقامات خواستار ایجاد صلح و حفظ وضع موجود هستند.

۲. دادگاه‌های گاجاچا که قاضی و پیشبرنده‌های آن، لزوماً حقوقدان حرفه‌ای نیستند، راهی برای دادخواهی و آشتی به‌طور هم‌زمان بود آماده‌سازی دادگاه‌های گاجاچا از سال ۲۰۰۳ شروع شده بود، از مارس ۲۰۰۵ آغاز به‌کار کرد فرایند آماده‌سازی این دادگاه‌ها شامل تعلیم قاضی، آموزش و تشویق مردم برای شرکت در آنها و تشکیل چند دادگاه آزمایشی و نمونه می‌شد دادگاه‌های گاجاچا متشکل از هیأت منصفه‌ای از اهالی روستا و اشخاصی است که در حکم قاضی عمل می‌کنند وکیل مدافع در این دادگاه‌ها وجود ندارد در این دادگاه قربانیان امکان می‌یابند در حضور کسی که باعث کشتار خویشان و عزیزان یا خانه‌خرابی آنها شده، از درد و رنج‌های خود سخن بگویند و علیه مجرم شهادت دهند مجرم به‌نوبه خود موظف به پاسخ‌گویی است سپس دادگاه با توجه به نحوه برخورد مجرم با گذشته‌اش تصمیم می‌گیرد آیا وی آمادگی پیوستن به جامعه و همزیستی در کنار دیگران را دارد یا نه مجرم به شرط ابراز صداقت و اعتراف به گذشته، انتقاد از خود و پوزش از قربانیان، امکان می‌یابد که کار و زندگی‌اش را از سر گیرد.

این دادگاه‌ها بیش از این‌که بر مستندات و مدارک جرم و حادثه استوار باشد، بر اظهارات شاهدان استوار است و با موازین معتبر بین‌المللی، نظیر حضور وکیل مدافع در دادگاه، بسیار فاصله دارد قضاوت بیشتر از این‌که به روند دادگاه مربوط شود، به شخص قاضی بستگی دارد کسانی که به‌عنوان قاضی حکم صادر می‌کنند، تا آن حدی که لازمه حرفه‌شان است از علم قضاوت بهره‌مند نیستند اگرچه یک دوره کارآموزی را پشت سر دارند، اما این دوره کوتاه چند ماهه برای ایفای وظیفه سنگینی که آنها بر عهده دارند، کفایت نمی‌کند به‌ویژه این‌که مواردی که در این دادگاه‌ها مورد رسیدگی و قضاوت واقع می‌شود، گرچه سازماندهی و فرماندهی کشتار و قتل عام را در بر نمی‌گیرد، اما در زمره جرایم جنایی و ماهیتاً پیچیده مانند قتل و تجاوز قرار دارد.

اما با وجود ضعف‌ها و کمبودها، که هم مورد تأیید مقامات رواندا و هم سازمان‌های بین‌المللی پشتیبان این دادگاه‌ها است، این دادگاه‌ها که در محل وقوع جنایت تشکیل می‌شوند، می‌توانند سهمی در روشن شدن حقیقت ایفا کنند با شروع این دادگاه‌ها و اعترافات مجرمان، چند گور دسته‌جمعی، که تا آن زمان برای خانواده‌های قربانیان ناشناخته مانده بود، کشف شد دادگاه‌های گاجاچا عفو را در ازای اعتراف و پوزش از بازماندگان و خانواده‌ها قرار می‌دهد و نیز اختیار تصمیم‌گیری در مورد عفو مجرم را دارد.

3. Justice for yesterday's crimes supplies the legal foundation needed to deter atrocities tomorrow



منابع

الف - فارسی

- برادران، منیره (۲۰۰۸/۱۲/۱)، *دادخواهی قتل عام در رواندا*، موجود در پایگاه اینترنتی: <http://monireh-baradaran.blogspot.com>
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، «مفهوم‌سازی ضرورت عدالت اخلاقی در برخی پارادایم‌های اقتصاد سیاسی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال هفتم، شماره ۲.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱)، *حقوق بشر در هزاره جدید*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۰)، «عدالت انتقالی؛ پایه‌های آرامش قربانیان نقض حقوق بشر»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال هشتم، شماره ۲.
- رنجبریان، امیرحسین و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی (۱۳۸۹)، «دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴۳.
- سرآمد، محمدحسین، (۲۰۱۱)، *بایسته‌های عدالت انتقالی و تطبیق آن در افغانستان*، موجود در پایگاه اینترنتی: <http://www.cshrn.af/Documents>
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۶)، *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیراجمند و زهرا موسوی، تهران: جنگل.
- لمپ، سوزان (۱۳۸۹)، *امید واهی یا ابزار واقع‌گرایانه؟ چالش‌هایی در قبال پیگیری دادگاه‌های کیفری بین‌المللی*، در: مک دانلد، پاتمن و پارکر، اخلاق و سیاست خارجی، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- مک دانلد، پاتمن و پارکر، (۱۳۸۹) *اخلاق و سیاست خارجی*، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

ب - انگلیسی

- Alexander, Jane (2003), **A Scoping study of Transitional Justice and Poverty Reduction**, London Department for International Development, available at: <http://www.grc-exchange.org/docs/SSAJ56.pdf>.
- Dugoli, Ilir and Agimi Ilire (2009), **Transitional Justice in Kosovo**, edited by

- Lulzim Peci and Ilir Deda, Kosovo Institute For Policy Research and Development(KIPRED), available at: www.Kipred.net.
- Godos, Jemima Garcia and Knut Andreas O. LID (2010), **Transitional Justice and Victim's Rights before the End of Conflict: the Unusual Case of Colombia**, Cambridge: University Press.
- Hayner Priscilla B (1996), "Commissioning the Truth: Further Research Questions", **Third World Quarterly**, vol. 17, no.1
- Hayner, Priscilla B (2001), **Unspeakable Truths: Confronting State Terror and Atrocity**, New York: Routledge.
- Human Rights Watch, (2004), "International Criminal Court", available at: [Http://www.hrw.org/campaigns/icc](http://www.hrw.org/campaigns/icc).
- ICTJ (2011), "what is Transitional Justice"? available at: <http://ictj.org/about/transitional-justice>.
- Maiese, Michele (2003), "The aims of Restorative Justice, Beyond Intractability", available at: <http://www.beyondintractability.org/bi-essay/restorative-justice>.
- Minow, Martha (1998), **Between Vengeance and Forgiveness: Facing History and Genocide and Mass Violence**, Boston: Beacon Press.
- Mobekk, Eirin (2005), "Transitional Justice in Post-Conflict Societies-Approaches to Reconciliation", available at: [Http://www.bmlv.gn.pdf](http://www.bmlv.gn.pdf).
- Naraghi Anderlini Sanam, Camille Pampell Conway and Lisa Kays (2009), "Transitional Justice and Reconciliation", in "Women waging Peace: Inclusive Security, Sustainable Peace, A Toolkit for Advocacy and Action", available at: http://www.huntalternatives.org/download/49_transitional_justice.pdf
- Odendaal, Andries (1997), "For Its Flaws: The TRC as a Peace building Tool", **CCR**, vol.6, no. 3/4.
- Serbia (2004), "Serbia passes Law on Lustration", available at: <http://www.serbia.sr.gov.yu/news/2003/05/31/329446.html>.
- Shoemaker, Jolynn (2009), "Constitutional Rights and Legislation", in "Women waging Peace: Inclusive Security, Sustainable Peace, A Toolkit for Advocacy and Action", available at: http://www.huntalternatives.org/download/49_transitional_justice.pdf.
- Snyder, Jack and Leslie Vinjamuri (2003-4), "Trial and Errors: Principle and Pragmatism in Strategies in International Justice", **International Security**, Vol. 28. No.3.

- Tepperman, Jonathan (2002), "Truth and Consequences", *Foreign Affairs*, March/April.
- Tolbert, David (2011), "Justice is Central to the future of the new Egypt and Middle East", available at: <http://english.ahram.org.eg/NewsContentP/4/6271/Opinion/Justice-is-central-to-the-fut>.
- United Nations (2002), "Women, Peace, and Security: Study Submitted by the Secretary General Pursuant to Security Council Resolution 1325(2000)", available at: <http://www.un.org/womenwatch/daw/public/eWPS.pdf>.
- United Nations Development Programme (2004), "Community Reconciliation in Timor- Leste", New York: UNDP, available at: <http://www.undp.org/erd/pubinfo/transitions/2003-04/east-timor.htm>.
- United Nations Office of the Special Adviser on Africa (OSAA) (2007), "DDR and Transitional Justice", Second International Conference on DDR and Stability in Africa, available at: <http://www.un.org/africa/osaa/speeches/ddr-and-tj-in-africa-english.pdf>.
- Worden, Scott (2011), "Transitional Justice in Egypt and Tunis", available at: <http://www.usip.org/publications/transitional-justice-in-egypt-and-tunisia>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی